

آموزش مبتنی بر دستاورد حرف اول دنیای امروز

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، قدرت تکنولوژی، دستاورد، دنیای اینترنت، شبکه‌های اجتماعی حرفه‌ای

سرآغاز

رسیدن به دستاوردها به آن‌ها کمک کنیم، روند پیشرفت آنان با سرعت بیشتری جلو خواهد رفت.

اما باورها و گرایش‌هایی مانند باور بزرگ‌سالان امروزی، در عصر قبل از دسترسی به اینترنت شکل گرفته‌اند. دانش‌آموزان امروزی در سراسر جهان نسبت به دانش‌آموزان روزگاران گذشته توانمندی بیشتری دارند. روزنامه‌تایمز در مقاله‌ای نوشته بود: «جوانان سال ۲۰۱۰ سراسر جهان به هم بیشتر شبیه هستند تا به جوانان هم‌میهن نسل‌های قبل از خودشان.»

امروزه اغلب بزرگ‌سالان تمایلی ندارند که هم‌زمان با بزرگ شدن فرزندان‌شان در جهان کنونی، شاهد از بین رفتن تدریجی فرهنگ‌های محلی‌شان باشند. بسیاری از آنان از نسل در حال رشد امروزی و از فرزندان خود می‌ترسند. آن‌ها از چیزی که به نظرشان منفی است، گله‌مندند؛ مانند ارتباط مجازی جوانان به جای برقراری ارتباط رودررو. اما متأسفانه ترس آن‌ها مانع از دیدن تأثیر مثبتی می‌شود که این جوانان می‌توانند بر جهان پیرامونشان بگذارند.

در دنیای اینترنتی کنونی، جوانان نه تنها می‌توانند در زمینه‌های بسیاری با بزرگ‌سالان رقابت کنند، بلکه کارها را بهتر هم انجام می‌دهند. امروزه حتی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی نیز می‌توانند شبکه‌های اجتماعی حرفه‌ای راه‌اندازی کنند

جوانان ما پیش از موقع دست به کار می‌شوند. آن‌ها به ویژه به مشاغل جدیدی از قبیل بهینه‌سازی موتورهای جست‌وجو و رسانه‌های اجتماعی جذب می‌شوند. اشتباه است اگر بخواهیم آن دسته از جوانانی را که به واسطه جوهر و دانش‌شان فقط با نوشتن در گوشه‌ی خوابگاه توانسته‌اند میلیون‌ها دلار درآمد کسب کنند، استثنائی تلقی کنیم. آن‌ها تنها به واسطه عظمت دستاوردهایشان است که استثنائی محسوب می‌شوند. تمام کودکان امروزی قادرند در طول سال‌هایی که ما فقط به یادگیری فکر می‌کنیم، به دستاوردهای واقعی برسند.

در تمامی بحث‌های موافق یا مخالف با تکنولوژی آموزشی، یکی از مهم‌ترین و بدیهی‌ترین ویژگی‌های تکنولوژی که تقریباً به‌طور تمام و کمال مورد غفلت واقع شده عبارت است از: اثرگذاری تکنولوژی در توانمندسازی جوانان برای انجام کارهایی که جهان به شدت به آن‌ها نیاز دارد.

دلیل چنین غفلتی شاید این باشد که بدون کمک تکنولوژی، کودکان پیش‌دبستانی، توانایی کسب دستاوردهای چندانی را ندارند. یا شاید از آنجا که ما در برابر کار کودکان، متأثر از گذشته قبل از دستیابی به اینترنت هستیم، از قدرت تکنولوژی در توانمندسازی جوانان غافل مانده‌ایم. یا شاید دلیل این باشد که نسل جوان را برای مدت‌های طولانی از رسیدن به هرگونه دستاوردی دور نگه داشته‌ایم و به همین خاطر فراموش کرده‌ایم که آن‌ها قادر به انجام چه کارهایی هستند.

اما امروزه تغییرات زیادی صورت گرفته است. نیمی از جمعیت کمتر از ۲۵ سال کره زمین، به طور روز افزون، چه به صورت انفرادی و چه در گروه، بسیار قدرتمند و توانا عمل می‌کنند و از راه‌هایی که پیش از این وجود نداشته‌اند، با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

همه ما باید از مزایای این شرایط بهره ببریم. تا زمانی که آزادی عمل برای انجام فعالیت‌های مثبت و مفید را از جوانان دریغ کنیم، در واقع نیمی از ظرفیت‌های جهان را به هدر داده‌ایم.

جوانان امروزی نه تنها به کمک تکنولوژی می‌توانند فعالیت‌هایی انجام دهند که واقعاً برای جهان و جایی که در آن زندگی می‌کنند مفید است، بلکه در روند انجام این فعالیت‌ها، دقیقاً به همان افرادی تبدیل می‌شوند که ما می‌خواهیم. احتمالاً بخشی از این‌ها به این موضوع بستگی دارد که ما نیز دست به عملی بزنیم یا خیر. اگر ما به جای عقب نگه داشتن جوانان و مانع تراشی برای آنان، در

تا زمانی که
آزادی عمل
برای انجام
فعالیت‌های
مثبت و مفید
را از جوانان
دریغ کنیم،
در واقع
نیمی از
ظرفیت‌های
جهان را
به هدر داده‌ایم



دستاوردها، نه نمره

در سراسر جهان مدیران مدارس زمانی که بخواهند نشان دهند عملکرد درستی داشته‌اند یا خیر، باید به دستاوردهای فردی یا گروهی دانش‌آموزان اشاره کنند، نه به نمراتی که دانش‌آموز در آزمون‌ها کسب می‌کند. مدیر دبیرستانی به گروهی از کلاس چهارمی‌ها اشاره می‌کند که به دنبال احساس نیاز و با گرفتن بودجه از انجمن شهر، توانستند از عهده طراحی و ساخت پارکی آبی برآیند که مهندسان معمار را از میدان به در کرد. مدیر دیگری به طراحی روباتی اشاره می‌کند که به کمک آن دانش‌آموز معلول بتواند از درون تخت‌خواب در کلاس حضور پیدا کند. دستاوردهای این‌چنینی دانش‌آموزان بسیارند. گاهی از آن‌ها با عنوان «تأثیر آموزش» یاد می‌شود، اما خود این دستاوردها ارتباطی با مسیر اصلی و مستقیم آموزش ندارند و جدای از آن هستند. واقعیت این است که چنین آموزشی مهم‌ترین بخش از مدرسه رفتن فرزندانمان است. در انجام این پروژه‌ها، کودکان هر گونه مهارتی را که لازم دارند و حتی بیش از آن‌را کسب می‌کنند. همچنین، با انجام چنین فعالیت‌هایی، دانش‌آموزان حس می‌کنند که می‌کنند که مدرسه به ندرت به آن‌ها می‌دهد و آن حس رسیدن به یک دستاورد در جهان، نه «جهان مدرسه»، بلکه جهان «واقعی» است.

اگر هدف آموزش برای فرزندانمان بهتر شدن و تبدیل شدن آن‌ها به افراد شایسته‌ای باشد که برای رویارویی با آینده آماده‌تر هستند، «کسب دستاورد» راه بهتری برای

رسیدن به این هدف است تا «یادگیری» که تقریباً همه مدارس ما امروزه بر آن متمرکز شده‌اند. برنامه کنونی آموزشی ما در آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کسب دستاورد در جهان واقعی سهم اندکی دارد. دانش‌آموزان ما به طور روز افزون به این شناخت می‌رسند که بیشتر اوقات قادرند به تنهایی خود را برای رویارویی با آینده آماده کنند تا به کمک آموزشی که در حال حاضر ما به آن‌ها می‌دهیم.

علت شکست اصلاحات کنونی

امروزه مریبان بسیاری پی برده‌اند که یادگیری صرف محتوا، هر قدر هم که خوب انجام شود، کودکان بهتر و افراد شایسته‌تری پرورش نخواهد داد. مراکز آموزشی بسیاری آموزش مبتنی بر مهارت و مراکز دیگری نیز آموزش مبتنی بر مسئله، آموزش مبتنی بر تحقیق و آموزش مبتنی بر پروژه را در برنامه‌های آموزشی خود گنجانده‌اند. گرچه به گونه‌ای می‌توان گفت که گنجاندن این آموزش‌ها در برنامه آموزشی، گامی است در مسیر صحیح، اما نکته مهمی فراموش شده و آن این است که هیچ‌یک از این‌ها واقعی نیستند.

تقریباً تمامی فعالیت‌ها و مشکلات مدارس ساخته و پرداخته خودمان هستند که به منظور استفاده از حداکثر «معیارها» و «آموخته‌ها» در آموزش طراحی شده‌اند. آن‌ها برای رسیدن به دستاوردی مفید در جهان طراحی نشده‌اند. ما به آموزشی نیاز داریم که پیامدهایش بتواند تفاوتی واقعی ایجاد کند و پیشرفت‌های واقعی به جهان

● ما رقابت‌های علمی، رباتیک و سایر رقابت‌هایی را برگزار می‌کنیم که نشان دهنده اشتیاق و خلاقیت اعجاز‌آمیز دانش‌آموزان هستند و غالباً تیم‌ها تنها برای انداختن توپ در حلقه و نمایش آنچه آموخته‌اند، با یکدیگر رقابت می‌کنند. چرا این رقابت‌ها برای کودکان چاه، جمع کردن زباله‌ها، خاموش کردن آتش یا انجام سایر کارها مفید نباشند؟

● در جایی که زیرساخت فیزیکی وجود ندارد (مثلاً در روستاهایی که آب شرب ندارند)، یا چنین زیرساختی در حال زوال است، دانش‌آموزان می‌توانند بخشی از کار طراحی، برنامه‌ریزی، یافتن سرمایه‌گذار و ایجاد و تنظیم زیرساخت‌ها را برعهده بگیرند. البته قرار دادن شیوه کار و گام‌های لازم برای انجام کار در اینترنت کار چندانی مهمی نیست. غالباً فقط لازم است بزرگ‌ترها فقط دانش‌آموزان را از نقض قوانین و صدمه زدن به خودشان باز دارند.

بنابراین، چرا نمی‌توان چنین دستاوردی را که به دنیای واقعی مربوط می‌شود، در برنامه آموزشی مدارس گنجانند؟ برای شروع، کنار هم قرار دادن تمام مثال‌های مربوط به انجام پروژه‌های واقعی توسط دانش‌آموزان در طی سال‌های تحصیلی یا در بخشی از آن، تا چه حد دشوار خواهد بود؟ استفاده از این دستاوردها، به عنوان نمونه‌هایی که بتوان بر اساس آن‌ها پایه‌های هر مدرسه و کلاس درسی را ساخت، تا چه حد آسان خواهد بود؟ تهیه فهرستی از دستاوردهای مورد نیاز در برخی مواقع و دادن اجازه به دانش‌آموز تا از میان آن‌ها دستاوردهای مورد علاقه‌اش را انتخاب کند، تا چه حد می‌تواند پیچیده باشد؟ آموزش ما تا کی باید به جای کسب دستاورد، در آمادگی تصنعی برای آن باقی بماند؟

تسا زمانی که عده‌ای احساس کردند مجموعه‌ای از معیارهای جدید برای برنامه آموزشی کهن یا طرح یادگیری مبتنی بر مسئله - البته از نوع تصنعی آن - گام بزرگی محسوب می‌شود، جهان شناختی از آموزش نداشت، اما این‌ها نیازهای واقعی جامعه ما نیستند، ما نیاز داریم به کودکانمان نحوه فکر کردن، عمل کردن، برقراری ارتباط و مهم‌تر از همه کسب دستاوردهای واقعی را بیاموزیم؛ دستاوردهایی که جهان را به جای بهتری برای زیستن تبدیل می‌کند. چقدر متفاوت خواهد بود که دانش‌آموزان، بدون دیپلم یا برگه‌ای در دست، اما با توانایی‌هایی از دستاوردهای فردی یا گروهی در دنیای واقعی مدارس را به پایان ببرند، دستاوردهایی که بتوانند با افتخار به آن‌ها اشاره کنند و معیاری باشند برای ارزیابی توانایی‌ها و شایستگی؟

ما باید گام به گام مسئله‌ها را حل کنیم. زیرا اگر نتوانیم در مشارکت با فرزندانمان به حل این موضوعات بپردازیم، آن‌ها ما را دور می‌زنند و به تنهایی کار می‌کنند.



هدیه دهد. این همان آموزشی است که من می‌توانم آن را آموزش مبتنی بر دستاورد بنامم.

در گفت‌وگوهایی که با دانش‌آموزان از سراسر جهان داشته‌ام، متوجه شدم آن‌ها خواستار این نوع آموزش جهان واقعی هستند. این جوانان، با توجه به اینکه عمدتاً در کنار اینترنت و انواع بازی پرورش یافته‌اند، عملکردشان، چه در همکاری و چه در رقابت با یکدیگر، بهتر از عملکرد نسل ماست. آن‌ها توان و ظرفیت‌های خود را به خوبی می‌شناسند و اگر فرصت استفاده روزمره از این توانایی‌ها از آن‌ها دریغ شود، دچار سرخوردگی و یأس می‌شوند. میزان اشتیاق، توان و قدرت عقلانی که آن‌ها صرف کار مورد علاقه‌شان می‌کنند، شگفت‌انگیز و حیرت‌آور است.

آموزش مبتنی بر دستاورد روی هم رفته ایده جدیدی نیست. دانش‌آموزان زیادی در سراسر جهان توان قابل ملاحظه‌ای را صرف رفع مشکلات واقعی می‌کنند. موضوع این است که این نوع آموزش تقریباً به طور کامل تصادفی، ناگهانی و غیرمنسجم است و به معلم، مدیر و مدرسه بستگی دارد و به آن‌ها محدود می‌شود. برای مثال:

● ما به کرات از وضعیت تأسّف‌بار زیرساخت‌ها و ارتباطات شبکه‌ای شکایت می‌کنیم. درحالی که جوانان کاملاً توانایی اصلاح آن‌ها دارند. بخش اعظمی از دستورات عملی را نیز می‌توان در اینترنت یافت.

**ابزارهای آموزشی
از جمله
مهم‌ترین منابع
به منظور
بهره‌گیری از
خلاقیت حرفه‌ای
معلمان
در کلاس‌های درس
هستند**